

روند تحولات شهرنشینی در ادوار تاریخی

دکتر مهرداد نوابخش

دانشیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات
mehrdad_navabakhsh@yahoo.com

سروش فتحی

مدرس دانشگاه آزاد اسلامی واحد زنجان
fathi_sh9@yahoo.com و fathi_soroush@yahoo.com

چکیده

ظهور شهر به عنوان یک پدیده سازمان یافته اجتماعی، اقتصادی و سیاسی مشروط به فراهم شدن شرایط و مقدماتی است که در حدود ده هزار سال پیش و مقارن با دوران نوسنگی و آشنایی انسان‌ها با کشاورزی و به تبع آن کند شدن آهنگ کوچ و نیمه یکجانشینی انسان‌ها همراه بود. سکونتگاه‌هایی که در زمین‌های حاصلخیز کشاورزی و در بستر رودخانه‌ها به وجود آمدند، اولین سکونتگاه‌های انسانی به شمار می‌آیند که به تدریج تبدیل به روستاها و شهرها شدند. اولین موجی که توانست تحول انقلاب را در زندگی انسان‌ها به وجود آورد "کشاورزی" بوده است. کشاورزی توانست انسان کوچ‌گرای که مدام از سپیده دم تا شب هنگام کارش، شکار و دام بود را در مکانی خاص ساکن کند و بدین ترتیب سنگ زیرین و بنیادین شهرها و روستاها را بنا کند. شهرهایی که سیر تحول و دگرگونی را به سرعت سپری کردند تا در نیمه دوم قرن هجدهم، موج دیگری تغییرات زیربنایی را در آن‌ها به وجود آورد. موجی که انقلاب صنعتی را به همراه داشت، نه تنها الگوی زندگی و حیات اجتماعی را متحول ساخت، بلکه باعث گسترش شهرها نیز شده و در کوتاه مدت شهرهای سنتی و باستانی را بلعید و آن‌ها را به شهرهای صنعتی و مدرن تبدیل کرد تا آن‌جا که مقدمات تحول بنیادین دیگری را تدارک دید و موج سوم را در خود پروراند. موجی که در نیمه دوم قرن بیستم و پس از جنگ جهانی دوم پدیدار شد و با عمومیت یافتن نظام جهانی مبتنی بر رسانه و ارتباطات و با دو محور اساسی یعنی بازار جهانی مبادلات اقتصادی و دولت‌های ملی و نهادهای فراملی را به وجود آورد و شهر و حیات شهری در عصر فراصنعتی بسیار هیجان‌انگیز شده و به رویاهای انسان جامع عمل پوشانده است با ابداع تکنولوژی اطلاعات هم‌زمان با مطرح شدن جهانی شدن به وجود آمدن شهرهای اطلاعاتی و شکسته شدن مرزهای جغرافیایی و مطرح شدن بسیاری از مفاهیم اجتماعی مانند مهاجرت الکترونیکی، کنترل اجتماعی الکترونیکی، ادغام کار و منزل، دوستی اینترنتی و بسیاری از مفاهیم دیگر که در مقاله به تفصیل به بحث گذاشته شده‌اند.

واژگان کلیدی: شهر، شهرنشینی، مادرشهر، کلان‌شهر، تکنو شهر، شهر اطلاعاتی، شهر مجازی.

مقدمه

عده‌ایی از مردم‌شناسان در خصوص منشاء و خاستگاه شهرها معتقدند که اولین هسته شهر در کنار و بین رودهایی مانند بین‌النهرین و مکان ملاقات قبایل و اقوام برای اجرای بعضی از مراسم و شعایر و یا قبرستان‌ها شکل گرفته است. بعضی از این آثار در دوره دیرینه سنگی دیده می‌شود، اما در این دوره هنوز زمینه مساعد برای رشد شهر پدید نیامده است. در دوره دیرینه‌سنگی انسان مشغول شکار و جمع‌آوری خوراک است. در نتیجه از یک طرف به زمین‌های وسیع نیاز دارد و از طرف دیگر شانس و حادثه نقش مهمی در تامین معاش او دارند. انسان در این دوره روزی جشن می‌گیرد و روزی گرسنه می‌ماند. اولین شرایط برای پیدایش غذای کافی در دوره میان‌سنگی فراهم می‌شود (۱۵۰۰۰ سال پیش)، یعنی آغاز پیدایش کشاورزی، اهلی کردن حیوانات و اسکان یافتن انسان در مکان‌هایی به شکل روستاها (ساوج و وارد، ۱۳۸۰: ۵۱).

از سوی دیگر کشاورزی انقلاب دیگری را نیز به همراه داشت و آن تمایز نقش زن و اهمیت بیشتر آن بود. در این دوره مردان به شکار و زنان به کشاورزی اشتغال دارند و از آن جایی که به نیروی کار احتیاج است باروری و پرورش کودکان اهمیت ویژه‌ای دارد بر مبنای شواهد باستان‌شناسی اولین روستاها توسط زنان پی‌ریزی شده‌اند. در عین حال تولید ابزار سبک، مانند کوزه و ظروف به عهده زنان بوده است. اسطوره‌های باستانی از زن به‌عنوان حامی و حافظ زندگی اهلی یاد می‌کنند، یعنی مفهوم ده در کنار مادر و زن عنوان می‌شود البته ساختن ابزاری مانند ظروف، کوزه و غیره نمایشگر افزایش تولید مواد غذایی است که باید در جایی انباشته شود. در دهکده‌های عصر میان‌سنگی برای نخستین بار پس از کشف کشاورزی، افزایش تولید مواد غذایی پدید می‌آید مازاد تولید کشاورزی که مقداری از آن باید انبار شود. اما این مکان‌ها در معرض خطر حمله حیوانات وحشی و اقوام کوچ‌رو قرار دارند. مردم‌شناسان معتقدند که در این‌جا اتحادی مجدد میان عصر سنگی و میان‌سنگی پدید می‌آید، یعنی اهمیت مجدد شکارچی که می‌تواند حفاظت از ده و مردم آن را عهده‌دار شود. این نخستین گام در شکل گرفتن نوعی قدرت سیاسی و نهاد حکومتی است. البته در این عصر کشف فلزات باعث رونق کشاورزی می‌شود، به طوری که ابزار ساده‌تر کشاورزی زنانه مثل بیل و چوب مبدل به گاوآهن می‌گردد از این عصر به بعد دوران پدرسالاری آغاز می‌شود.

در دوران پدرسالاری که با پیشرفت فن‌آوری در کشاورزی و گسترش و توسعه کشاورزی همراه است، مازاد کشاورزی به‌وجود می‌آید و به تبع آن وضعیت اقتصادی و مناسبات جدیدی در حیات اجتماعی انسان‌ها پدیدار می‌شود مناسباتی که گروه‌های انسانی را به سوی تشکیل طبقات اجتماعی رهنمون می‌سازد. که این تشکیلات طبقاتی نیازمند به فضاها و مکان‌های عرصه ظهور می‌باشند، مکان‌هایی که برای سکونت در آن‌جا باید تلاش کرد و وارد چرخه تنازع بقا شد و از آن عبور کرد.

در هر حال، اولین شهرهای جهان حدود سه هزار و پانصد قبل از میلاد مسیح در بین‌النهرین در دره‌های حاصلخیز دجله و فرات به وجود می‌آیند. (شهرهایی مانند "اور" و "لاگاش"، "آشور"، "سومر" و "نینوا" و به ترتیب در مصر باستان حدود ۳۱۰۰ سال قبل از میلاد مسیح شهرهایی مانند "تیس" و "ممفیس" در کنار رودخانه نیل و در حدود ۲۵۰۰ سال قبل از میلاد مسیح شهرهایی مانند "موهنجودارو" و "هارپا" در کنار رودخانه سند و در حدود ۱۵۰۰ سال قبل از میلاد مسیح شهرهایی در دره رود زرد چین ساخته می‌شوند. این تمدن‌های اولیه بشری را که در کنار رودخانه‌ها دائمی شکل گرفته‌اند و حیاتشان به این رودخانه‌ها پیوند خورده است را تمدن‌های آبی می‌نامند البته شهرهای یونان و روم جدیدتر هستند و به ۳۰۰ تا ۴۰۰ سال قبل میلاد مسیح باز می‌گردند.

در نیم کره غربی در قاره آمریکا بین ۳۰۰ سال قبل یا بعد از میلاد مسیح در تمدن "مایا" شهرهایی به وجود می‌آیند که به دلیل نامعلومی از بین می‌روند (ممتاز، ۱۴: ۱۳۸۴).

"ژولین ساتیوا ارد" معتقد است هر جامعه‌ای بنا بر نهادهای اجتماعی و روابط کارکردی خود، کانونی را به وجود می‌آورد که نهایتاً هسته شهرها و سکونتگاه‌های دائمی را به وجود آورند. به نظر او نهادهای اجتماعی تشکیل دهنده هسته اولیه شهرها هستند. به اعتقاد او شکار و گردآوری خوراک و دامداری و سپس کشاورزی موجبات شکل‌گیری تمدن‌ها را پروراند است.

روش: در این مقاله روند تحولات شهرنشینی در ادوار تاریخی به روش اسنادی مورد بررسی و مطالعه قرار گرفته است.

سیر تحولات شهر را می‌توان به ترتیب ذیل مطرح نمود.

۱- شهرهای باستان

باستان‌شناسان خاستگاه نخستین شهرها را در منطقه بین‌النهرین می‌دانند، شهرهایی مانند "ارید"، "لارک"، "ادوک" و "بابل" که هر کدام جمعیتی بین ده تا بیست هزار نفر داشته است شهرهایی با مراکز تجاری و مبادلاتی و ساختار نسبتاً پیشرفته و مشتمل بر دژ و معبد. در این شهرها محل سکونت اعیان نزدیک هسته مرکزی بوده و هرچه از مرکز به بیرون حرکت کنیم منطقه‌های مسکونی طبقات پایین‌تر را می‌بینیم. در شهرهای باستان برخلاف شهرهای مدرن هر چه به هسته مرکزی شهر نزدیک‌تر شویم رفاه و امنیت بیشتری وجود دارد و هرچه به سوی دروازه‌ها پیش برویم میزان رفاه و امنیت کم‌تر است. چون شهرهای باستانی همیشه در معرض خطر حمله از بیرون بودند، برگزیدگان و حاکمان در مرکز شهر خود را محصور می‌ساختند. وسعت شهرهای باستانی در مقایسه با شهرهای امروز بسیار کم بوده و شاید مساحتی نزدیک به یک محله امروزی را داشته است. به‌طور مثال:

الف- شهرهای بین‌النهرین: بابل قبل از این که توسط ایرانی‌ها فتح شود دیواری در حدود یازده میل داشته است. بابل شهری در دو طرف رود با ابعاد $۱/۵ \times ۲/۵$ کیلومتر بوده که پلی دو بخش آن را به یکدیگر وصل می‌کرد و دو دیوارها با خندقی از هم جدا می‌شدند: شهری که به‌وسیله بخت‌النصر (۶۰۵ تا ۵۶۲ پیش از میلاد) دچار تحولات و پیشرفت‌های عظیمی شد (فکوهی، ۱۳۸۳: ۴۷).

ب- شهرهای مصری: شهرهای مصر باستان به‌ویژه قبل از ساخته شدن اسکندریه (حدود ۳۳۲ قبل از میلاد) بسیار کوچک و در حدود دو هکتار بوده است. شهرهای کوچک با کاخ‌ها، معابد، دارای مراکز تجاری و قدرت سیاسی، که به‌وسیله دیوارها و حصارهای محافظت می‌شد و دارای بناها و معابر متعدد بود. از مهم‌ترین مولفه‌های شهرهای مصری را می‌توان وجود دروازه، برج و بارو، معابد، کاخ، خیابان، فاضلاب و منازل و سکونتگاه‌ها نام برد.

پ- شهرهای هندی: که پس از بین‌النهرین، نخستین شهرهای آسیا به‌شمار می‌آیند، شهرهایی هستند که از دگرذیسی نخستین روستاها به‌وجود آمدند و احتمالاً با تبدیل این روستاها به شهرها مقدمات تمدن هند نیز پدیدار شد تمدنی که از دره گنگ ظاهر شد و شهرهایی مثل "کاجی"، "کوچامبی" و "راجاگریها" را در خود جای داد. "راجاگریها" دارای دیوارهای محافظ قطور به طول ۴۰ کیلومتر بوده که نه تنها از منازل بلکه از زمین‌های کشاورزی هم محافظت می‌کرد و گرداگرد شهر کشیده می‌شد. بعضی از شهرهای دیگر هند به‌دلیل وجود صنعتگران رشد قابل توجهی کردند و برخی دیگر به دلیل قرار گرفتن بر سر راه‌های بزرگ تجاری و برخی دیگر جهت وجود معابر و پرستشگاه‌های مهم گسترش قابل توجهی یافتند.

شهرهای هند باستان تقریباً هموار و یکپارچه بودند و بنایی مرتفع با دیوارهای کنگره‌دار از آن حراست می‌کرد. شهری که بناها و خیابان‌های آن نشانگر تمدن آن بود، البته بناها عمدتاً از خشت بوده و سنگ کم‌تر در آن‌ها به کار رفته بود. خانه‌ها با الگوی ثابتی به شکل حیاط مربع شکل که در اطرافش اطاق‌های قرار داشت ساخته می‌شد در این شهرها فاضلاب خانه‌ها به بیرون از شهر منتقل می‌شد و از شهرهای مهم آن دوره هند می‌توان به "هاراپا" و "موهنجودارو" اشاره کرد (فکوهی، ۱۳۸۳: ۵۰-۴۹).

ج- شهرهای یونانی: یونان در هزاره پنجم قبل از میلاد مسیح، مقارن با دوران نوسنگی شاهد تحولات و دگرگونی‌های در سکونت‌گاه‌ها و شهرها است. در این دوره یونان نخستین شهرهای خود را تجربه کرد. شهرها یا پولیس‌های یونانی با قلعه‌های مستحکم و مرتفع در بالای تپه‌ها که آکروپولیس^۱ نام داشت. قابلیت دفاعی بالایی داشتند، زیرا که هم در بالای بلندی‌ها بنا شده بودند و هم حصارها و دیوارهای سترگی از آن‌ها محافظت می‌کردند. از آکروپولیس‌های معروف یونان باستان می‌توان از آکروپولیس "آتن" یاد کرد. به این شهرها که حاصل اتحاد و اسکان یافتن گروه‌های قومی و قبیله‌ای و کلونی‌های پدرسالاری بودند، براساس قوانین و آداب رسوم دینی مشترک و مشابه باهم اداره می‌شدند این نوع شهرها به تدریج دولت شهرها را بنیان نهادند، نوعی از شهرها که در قرن ششم تا چهارم قبل از میلاد به اوج شکوفایی رسیدند.

دولت شهرها دارای استقلال خارجی و خود مختاری داخلی بودند تا آن که اسکندر آن‌ها را متحد کرد و امپراتوری بزرگ را به وجود آورد. امپراتوری که متشکل از شهرهای بزرگی بود که هر شهر از یک بخش مرکزی تشکیل می‌شد و زمین‌های کشاورزی نسبتاً وسیعی آن را احاطه می‌کرد، مساحت این شهرها چندان زیاد نبود. ساختار شهری این دولت شهرها عبارت بودند از: حمام‌های عمومی، تئاتر، آکروپولیس‌ها (همان قلعه‌هایی که در بالاترین نقطه شهر ساخته می‌شد و میدان بزرگی که به آن "آگورا"^۲ می‌گفتند. از دیگر فضای مهم شهر باستان یونان می‌توان "ژیمنازیوم"^۳ که محل تمرین و ورزش بود را نام برد. به‌دین ترتیب مهم‌ترین فضاهای شهرهای یونان باستان آکروپولیس، آگورا، ژیمنازیوم، آمفی تئاتر و حمام‌های عمومی بوده‌اند (فکوهی، ۱۳۸۳: ۵۶).

د- شهرهای رومی: شهرهای روم باستان نیز، با رشد و توسعه تمدن روم از قرن چهارم پیش از میلاد به اوج شکوفایی رسیدند. شهرهایی که عمدتاً تحت تاثیر شهرهای یونانی به وجود آمدند شهرهای با مفهوم "سیویتاس"^۴ رومی که یک واحد اداری-سیاسی مستقل و از جمع شهروندان تشکیل یافته بود و شبیه به "پولیس"های یونانی بود. رومیان شهرها را بر اساس دو محور عمده می‌ساختند: یک محور شمال به جنوب و دیگری محور شرقی به غربی که در نقطه تلاقی این دو محور، مرکز شهر قرار می‌گرفت و آن‌جا میدان مرکزی شهر یا "فوروم"^۵ که تقلیدی از "آگورا" یونانیان بود، ساخته می‌شد. شهرهای روم باستان به‌ویژه رم دارای حمام‌های عمومی، کتابخانه، خیابان، میدان، برج و بارو و حصار و دروازه بود، شهرهایی که بالاخره در قرن پنجم میلادی آماج حملات مهاجرین و جنگجوی شمال و شرق اروپا شد و تسخیر آن‌ها موجبات فروپاشی امپراتوری عظیم روم را مهیا نمود.

۲- شهرهای قرون وسطایی

در شهرهای باستان به‌ویژه دولت شهرهای یونان و روم اشاره شد که این شهرها مرکز تولید انبوه نبودند، بلکه کانون مدیریت و تسلط و حاکمیت بوده است. با سقوط امپراتوری روم باستان کارکرد سیاسی-مدیریتی شهری

هم از بین رفت و تسلط اربابان فئودال جانشین آن گردید. اما شهرهای قرون وسطی که در ایام حاکمیت نظام فئودالیه و اربابی به وجود آمد و تا قرن پانزدهم میلادی ادامه داشت، با رشد تکنولوژی در کشاورزی موجبات تمرکز جمعیت و بهبود وضع عمومی را در پی داشت. این شهرها دارای ویژگی‌های بودند، شهرهای قرون وسطایی که در اثر اتحاد مجدد قلعه به عنوان سکونت نهاد اربابی با سکونتگاه‌ها و فعالیت‌های اطراف آن و پیدایش بازار (پس از رونق مجدد تجارت) شکل گرفت. بنابراین ساختار جدید شهر و نظام سیاسی - مدیریتی یکپارچگی و مستقلی را به همراه داشت. و در واقع بر مبنای نظر "ماکس وبر" این ویژگی سیاسی شهر است که آن را مبدل به مکانی خاص می‌سازد و حدود آن را به عنوان یک نظام اجتماعی مشخص می‌کند. "وبر" علاوه بر این موارد اقتصاد، امنیت و آزادی را از ویژگی‌های دیگر شهر می‌داند (فیالکوف، ۱۳۸۳: ۱۰۱).

کاستلز نیز معتقد است که این استقلال سیاسی - مدیریتی در مورد بیشتر شهرهای قرون وسطی در اروپا مصداق دارد. شهرهای قرون وسطی یا با حاکمیت اربابی به شکل شهرهای فئودالی یا به صورت شهرهای تجاری (گیلدها) با محوریت کلیسا شکل گرفتند به علاوه در این عصر کم کم پیدایش قشر دیگری که فقط به تجارت اشتغال دارند نیز مشهود است. رشد این طبقه از ویژگی‌های شهر در قرون وسطای اروپاست، طبقه ای که می‌تواند استقلال اقتصادی داشته باشد و در امور صنعتی نیز سرمایه‌گذاری کند. چون شهرهای قرون وسطی دارای قشر بورژوازی تجاری بودند که می‌خواستند خود را از قید فئودال‌ها، و قدرت مرکزی رها سازند. بنا بر این رابطه اشراف با فئودال‌ها در زندگی این طبقه تأثیر داشت، و هرکجا که تضاد بین اشراف و فئودال‌ها وجود داشت استقلال شهر بیشتر می‌شد.

از جانب دیگر شکاف بین این دو طبقه بر فرهنگ شهر، به خصوص در زمینه سرمایه‌گذاری و مصرف تأثیر می‌گذاشت. نزدیکی اشراف با بورژوازی تجاری باعث می‌شد که بورژوازی تحت تأثیر نظام ارزشی قرار گیرد. زیرا که در جایی که شهرها در انحصار بورژوازی تجاری بودند ارزش‌های جدیدی بر مبنای اهمیت ثروت و سود شکل می‌گرفت و چون شهر از مناطق روستایی جدا بود، بقای شهر متکی بر توانایی تولیدات صنعتی بود. می‌توان تکامل شهر را بر مبنای رابطه میان بورژوازی یا گروه تجاری اشراف و سلطنت در کشورهای مختلف تبیین کرد.

بنابراین شهرهای قرون وسطایی عموماً محور اصلی خود را در نهادهای اربابی پی‌ریزی نمود. به گونه‌ای که ارباب با سکونت در قلعه‌ایی که به آن "بورگ" می‌گفتند و در میان زمین‌های کشاورزی قرار داشت نطفه شهری را با مرکزیت "بورگ" تشکیل می‌داد که به تدریج با اسکان یافتن وابستگانش در اطراف بورگ‌ها، تغییراتی در شکل ظاهری شهرها به وجود آمد که منجر به توسعه آن‌ها نیز می‌شد. بنابر این شهرهای قرون وسطایی، در محیط‌های بسته و کم حجم با دیوارهای بلند در اطراف آن‌ها که فاقد فضای باز درونی نظیر میداين بودند، تشکیل شد.

"وبر" معتقد است تکوین شهر در این دوران مدیون قلعه‌هاست. او این شهرها را به عنوان شهر-قلعه در نظر می‌گیرد و معتقد است این شهر قلعه‌ها بودند که با توجه به قلعه‌ای که داشتند به شاه و فئودال‌ها اجازه حکومت می‌دادند امنیت را تامین می‌کردند (فیالکوف، ۱۳۸۳: ۱۰۱).

۳- شهرهای قبل از انقلاب صنعتی

شهرهای ماقبل صنعتی را می‌توان در سه گروه به شرح ذیل مورد بررسی قرار داد:
الف- شهرهای فئودالی

در شهرهای فتودالی سه طبقه کاملاً مشخص دیده می‌شد: طبقه ممتاز، طبقه پایین و طبقه‌ای بیرون از روند اصلی جامعه شهری که از توده مردم و گروه‌های قومی - مذهبی تشکیل می‌شد. طبقه اول بر شهر حکومت می‌کرد. این گروه، قدرت و توان خود را از منابع خارج از شهر به دست می‌آورد. طبقه پایین‌تر یا توده مردم و اقلیت‌های قومی - مذهبی هر چند در اقتصاد شهری دارای نقش‌هایی بودند، در اداره جامعه شهری هیچ امتیازی نداشتند.

در ساخت داخلی شهرهای فتودالی، طبقه اول در مرکز شهر و در مجاورت مرکز تجاری، مذهبی، سیاسی، و محل برگزاری مراسم و آیین‌ها با خدمتکاران و محافظان خود زندگی می‌کردند. طبقه پایین‌تر، بسیار دورتر از مرکز شهر و در مجاورت مرزهای شهری، یا در حاشیه آن اقامت داشتند و اقلیت‌های قومی - مذهبی نیز در محله‌های ویژه (گتوها) در یک شرایط جدایی‌گزینی اکولوژیک به اجبار در بیرون دیوارهای شهری ساکن می‌شدند (شکوئی، ۱۳۸۵، ۱۶۵).

ب- شهرهای تجاری

در مورفولوژی شهرهای تجاری، وجود مناطق ویژه برای فعالیت ویژه در داخل شهرها اهمیت داشت و مورفولوژی هر بخش از شهر با توجه به میزان خرید و فروش در آن شکل می‌گرفت. خانه شهرنشینان به منزله کارگاه، انبار و محل زندگی بازرگانان، اربابان حرفه‌ها، کارگران و کارآموزان محسوب می‌شد؛ از این رو جدایی‌گزینی طبقات اجتماعی در شهرهای تجاری قرون وسطی دیده نمی‌شد. در این قبیل شهرها همواره یک ترکیب خاص اجتماعی به وجود می‌آمد؛ در نتیجه ساخت شهر به صورت منطقه‌بندی متحدالمرکز که مناطق مختلف، پیرامون مرکز شهر را بپوشاند در نمی‌آمد (شکوئی، ۱۳۸۵، ۱۶۶).

در شهرهای تجاری، هنگام شکوفایی اقتصاد شهری، منطقه بازار، توسعه بیشتری می‌یافت و منطقه مسکونی شهر به نهایت گسترش و زیبایی خود می‌رسید. در این حالت، شهر به مرکز سرمایه‌گذاری تبدیل می‌شد و زمین‌های شهری نیز به صورت یک کالا، ارزش بیشتری می‌یافت. می‌توان گفت شهرهای تجاری، یک مرحله انتقالی از فتودالیسم روستایی به سرمایه‌داری شهری - صنعتی بوده است (شکوئی، ۱۳۸۵، ۱۶۷).

پ- شهرهای استبدادگری

سومین نوع شهرهای ماقبل صنعتی، شهرهایی است که با نظام استبدادی اداره می‌شد. در چنین شهرهایی، قدرت اداری و سیاسی نه از آن گروه فتودال بود نه از آن گروه بازرگان، بلکه در اختیار یک فرد یا یک خانواده بود. گاهی اوقات نیز شهرهای فتودالی به سبب تسلط یک خانواده بر امور شهر، با نظام استبدادی اداره می‌شد. در آن دوره، بیشتر شهرهای کشور آلمان در تصرف و حاکمیت دوک‌ها و شاهزادگان قرار داشت که نمونه‌هایی از آن در تاریخ شهرهای برلن، مونیخ، دوسلدورف و برانسویک دیده می‌شود. از قرن شانزدهم و هفدهم به بعد در بیشتر کشورهای اروپایی، حکومت‌های سلطنتی، عامل اصلی و توسعه شهرها بودند، بدین سان که تصمیم و اداره پادشاه، در کیفیت برنامه‌ریزی شهری، اساس کار قرار می‌گرفت.

در مورفولوژی شهرهایی که با نظام استبدادی اداره می‌شد، قصرهای پادشاه و شاهزادگان، محل زندگی حاکم و عمارات گروه‌های ممتاز شهری که بیشتر در مجاورت قصرها بنا می‌شد، مهم‌ترین چشم انداز مورفولوژیک شهر بود. گروه‌های ممتاز و ثروتمند شهری برای سهولت دسترسی به مرکز قدرت، سعی می‌کردند ساختمان‌های محل زندگی خود را در مجاورت بناهای سلطنتی و حکومت احداث کنند. در این دوره هنگام جابه‌جایی قصرهای سلطنتی و حاکم نشین، گروه‌های ممتاز شهری نیز محل مسکونی خود را ترک کرده، در مجاورت قصرهای جدید حکومتی محل را برای زندگی انتخاب می‌کردند (شکوئی، ۱۳۸۵، ۱۶۸).

تقسیم کار اجتماعی و تکنیکی شهری (در مقایسه با روستایی) در آن‌ها مسلط بود و توسط طبقه خاصی به نام بورژوازی تجاری هدایت می‌شد به اعتقاد "کاستلز" قشر دیگری که در شهرهای ماقبل صنعتی نقش مهمی داشتند قشر صنعتگران بودند که به کار تولید اشتغال داشتند و حاصل فعالیت آن‌ها زمینه تجارت و مبادله را فراهم می‌آورد. این قشر دارای تشکلهای صنعتی بود و از طریق آن خواسته‌های خود را در انجمن‌های شهری عنوان می‌کرد و خود را بخشی از شهر می‌دانست و از حقوق خود دفاع می‌کرد "ماکس وبر" معتقد است که شهرهای ماقبل صنعتی در اروپا، واحدهای سیاسی خود فرمان بودند و گروه‌های مختلف شهری دارای حقوق شهروندی و میزانی از قدرت سیاسی بودند و در صورت لزوم می‌توانستند متحد شوند و از شهر به‌عنوان یک واحد جدا و مستقل دفاع کنند (فیالکوف، ۱۳۸۳: ۱۰۰). این شهرها شامل همان شهرهای تجاری یا گیلدها بودند شهرهای استبدادی و فئودالی.

طبقات اجتماعی در شهرهای تجاری قبل از انقلاب صنعتی عبارت است از تجار، مالکین اماکن شهری و صنعتگران که به کارهای غیرکشاورزی اشتغال داشتند در اروپا قبل از انقلاب صنعتی شهر مکان زندگی این گروه‌ها است و شهرها دارای میزانی از استقلال سیاسی هستند. و همین گروه‌ها زمینه را برای شکل گرفتن بورژوازی پدید می‌آورند. یعنی طبقه‌ای که کاملاً خصلت شهری دارد و محیط مناسبی برای پیدایش جامعه مدنی را در غرب فراهم می‌سازد. بنابر این می‌توانیم ویژگی‌های شهرهای قبل از انقلاب صنعتی را مبتنی بر نظامی اجتماعی متمرکز بر فعالیت‌های صنعتی دانست که قشر بازرگان و صنعتگر به وسیله طبقه ثروتمند بورژوازی هدایت می‌شد.

"گیدنز" معتقد است که در جوامع ماقبل صنعتی یک احساس امنیت هستی‌شناسانه از طریق سنت به انسان داده می‌شد. این سنت خود حاصل هنجارهایی بود که در اثر تکرار جریان زمان و مکان در زندگی روزانه شکل می‌گرفت. با پیدایش شهرنشینی مدرن این مفاهیم از بین می‌روند و فضاهای جدیدی خلق می‌شوند (گیدنز، ۱۳۸۳: ۶۳).

شهرهای ماقبل صنعتی با ساخت طبقاتی کانون تمرکز فعالیت‌های دینی - سیاسی - مدیریتی و نظامی بودند. در واقع شهر مکان قدرت بود.

اگر به شهرهای ماقبل صنعتی توجه کنیم می‌بینیم که یگانگی میان محیط شهری با طبیعت وجود داشته. در جهان سرمایه‌داری این یگانگی از بین می‌رود و محیط شهری مبدل به کالا می‌شود. این نوع کالایی شدن تجربه انسان را نسبت به طبیعت تغییر می‌دهد. در هر حال، شهرها در روند و جریان انقلاب صنعتی سرفصل جدیدی در مسیر تحولات را شاهد بودند (ساوجو وارو، ۱۳۸۰: ۵۱).

۴- شهرها در روند انقلاب صنعتی

شهرها و شهرنشینی در جریان انقلاب صنعتی به سوی تولیدات صنعتی و نظام سرمایه‌داری گام برداشتند. شهرهایی که به واسطه برخورداری از روابط و مناسبات صنعتی ساختار روستاها را دگرگون ساخت و موجبات مهاجرت عظیم روستاییان را به مناطق شهری فراهم آورد و از سوی دیگر گذار از اقتصاد کوچک خانگی به اقتصاد صنعتی کوچک و آنگاه به اقتصاد صنعتی بزرگ که نهایتاً به تمرکز نیروی انسانی و ایجاد بازار و تشکیل فضا و محیط صنعتی منجر گردید، باعث توسعه فزاینده شهری شد (توسلی، ۱۳۸۳: ۱۳). پس از انقلاب صنعتی با شکوفایی تولید صنعتی ساخت شهرها دگرگون شد و سازمان اجتماعی آن متحول گردید و تمرکز جمعیت در آن‌ها به وجود آمد. به این ترتیب، هجوم به شهرها، شهرها را مبدل به مکانی می‌ساخت که بیش از گنجایش

خود جمعیت داشت و تقریباً به حالت انفجاری در آمده بود شهرها وضعی مغشوش داشتند به طوری که در طول قرن ۱۹ هنوز محلات شهری از هم تفکیک نشده بودند. افراد غنی و فقیر در یک محله در کنار هم زندگی می‌کردند و ممکن بود در یک ساختمان در طبقات پایین افراد مرفه تر و در طبقات بالا افراد فقیرتر زندگی کنند. حرکت‌های اکولوژیک در شهر بعداً آغاز می‌شود. طبقه نوین بوردوئیزی طبقه‌ای بود که مالک تجارت یا کارگاه‌های تولیدی بود و روز به روز نیاز به کارمندان بوروکراتیک و کارگران در شهرهای لندن و پاریس اضافه می‌شد وجود کارخانه‌ها در مرکز شهرها و بعداً ایستگاه‌های راه آن در بخش‌های مرکزی شهرهای عصر صنعتی متمرکز می‌شدند.

تولید انبوه که پس از انقلاب صنعتی به وجود آمد کم‌کم شکل بازار را تغییر داد. تولید انبوه نیاز به مصرف‌کننده انبوه داشت. پس از ساخته شدن فروشگاه‌های بزرگ مثلاً در پاریس کم‌کم بلوارهایی هم در اطراف آن‌ها به وجود آمد. در این‌جا ضرورت پیدایش خطوط حمل و نقل که جمعیت مصرف‌کننده را به مغازه‌ها هدایت کند پدید می‌آید. برای اولین بار در سال ۱۸۳۸ در شهر پاریس اتوبوس‌هایی که با اسب کشیده می‌شدند به حرکت در می‌آیند و جمعیت را به مراکز خرید هدایت می‌کنند.

به تدریج خرده‌فروشی‌ها ناپدید می‌شوند، و تولید کارخانه‌ای، که کالایی را با قیمت و کیفیت متوسط تولید می‌کرد، در اختیار جمعیت بیشتری قرار می‌گیرد و بر شمار مصرف‌کنندگان اضافه می‌شود، در این دوره نه تنها شهرها بلکه نهادها و مناسبات و روابط بین آن‌ها متحول شد "دورکیم" تحول فوق و توسعه شهرها را مرتبط با تراکم جمعیت و تراکم اخلاقی^۱ می‌دانست. به اعتقاد او تراکم اخلاقی در صورتی نتیجه می‌دهد و ثمربخش می‌باشد که فاصله واقعی بین افراد به نحوی کاهش یافته باشد. یعنی تراکم مادی و جمعیتی قبل از آن رشد کرده باشد (دیکنز، ۱۳۸۰: ۴۹).

۵- شهرها پس از انقلاب صنعتی

شهرها به ویژه شهرهای اروپایی پس از انقلاب صنعتی تغییرات فراوانی کردند. در این دوره شکل فضایی شهرها تغییر می‌کند. به علت نامطلوب بودن محیط درونی شهر طبقه مرفه به خارج شهر می‌روند و آن‌جا را برای زندگی انتخاب می‌کنند و فقط برای کار به شهر می‌آیند. البته این کار فقط برای کسانی میسر بود که از عهده مخارج مسکن بهتر و حمل و نقل به درون شهر بر می‌آمدند. آنگاه کارخانه‌ها که به فضای بیشتری احتیاج داشتند و فضای داخل شهر برایشان کوچک بود به بعضی مناطق بیرونی می‌روند. مرکز شهر مکان خرده‌فروشی‌ها، بانک‌ها و خدمات شهری می‌شود. اما در اکثر موارد بخش‌هایی از هسته مرکزی را محله‌های ویران و زاغه‌ها احاطه می‌کنند. در این دوره حرکت عمودی شهر نیز آغاز می‌شود و پیشرفت معماری شکل شهر را تحت تاثیر قرار می‌دهد. ایستگاه‌ها و فرودگاه‌ها هم به بیرون از مرکز شهر حرکت می‌کنند.

پیدایش خطوط بزرگراه و رونق استفاده از اتومبیل و ایجاد پارکینگ برای آن نیز یکی دیگر از خصایص شهرهای مدرن است. اتومبیل تا حدود زیادی جانشین راه‌آهن می‌شود. حرکت بخشی از خطوط حمل و نقل به زیرزمین یعنی مترو از سال ۱۹۰۵ در اروپا آغاز می‌شود. در ضمن خصلت دیگر شهرهای مدرن جدایی فضای مسکونی طبقات مختلف از یکدیگر است که پیدایش بزرگراه‌ها و حرکت به حومه‌های آن را تشدید می‌کند. به طوری که حومه‌نشینان از اوضاع زندگی در زاغه‌ها بی‌خبر هستند.

بزرگراه به جای این‌که در خدمت مردم شهر باشد برای صنعت اتومبیل‌سازی و استفاده هرچه بیشتر آن در سطحی بسیار وسیع ساخته می‌شود اتومبیل به نوبه خود در نابودکردن محیط شهری نقش مهمی دارد پس

برنامه‌ریزی‌ها شهری اتومبیل را از مرکز شهر حذف کرد چون استفاده از وسایل عمومی حمل و نقل مترو یا اتوبوس، هم به صرفه نزدیک‌تر است، و هم از شدت ترافیک و آلودگی هوا می‌کاهد. به علاوه پیاده راه رفتن باعث می‌شود که محیط شهری فضاهای زنده بیشتری داشته باشد (دیکنز، ۱۳۸۰: ۴۷).

همان‌طور که اشاره شد پیدایش شهرهای ماقبل صنعتی مبتنی بر ثروت مازادی بود که در اثر کار مردم پدیدآمده بود و اربابان شهر از آن استفاده می‌کردند تا شهر را باشکوه و مجلل و زیبا سازند. اما دوران بورژوازی این سنت را کنار گذاشت و بر مبنای عقلانیت ابزاری جدیدی عمل کرد که تسلط روابط اقتصادی و اهمیت آن سرنوشت شهر را تعیین می‌کرد. در حالی که در این دوره شهرها در ادوار و مراحل مختلف تغییراتی می‌کنند که این مراحل را می‌توان چنین بیان کرد:

دوره اول صنعت واقعیت شهری شدن پیشین را به کلی نابود می‌کند و این جریان هم از طریق عمل و هم از طریق ایدئولوژی انجام می‌شود. به طوری که تسلط اقتصاد صنعتی، شهر اجتماعی را نابود می‌سازد.

دوره دوم توسعه شهری و جامعه شهری عمومی می‌شود. واقعیت شهری در ضمن ویرانگری درونی که دارد خود را به عنوان یک واقعیت اجتماعی - اقتصادی مستقر می‌سازد. می‌توان گفت که اگر شهر و قانونی بودن آن را حذف کنیم تمامی جامعه دچار فروپاشی می‌شود.

دوره سوم واقعیت شهری دوباره ساخته می‌شود، در عین حال که اعمال ویرانگر این جریان به فکر، عمل و محیط آسیب رسانده، قانونی بودن شهر مجدداً برقرار می‌شود.

البته گیدنز یکی از ویژگی‌های عمده این دوره را "فرا رفتن زندگی اجتماعی از مرزهای زمان و مکان می‌داند" (بهروان، ۱۳۷۷: ۴۸). به گونه‌ای که در این شهرها گسترش یافتن فضا و زمان پدیدار می‌شود و به زعم گیدنز انسان‌ها "از جا کنده" می‌شوند و خود را محدود به مکان‌های بومی و محلی نمی‌کنند.

۶- شهرهای فراصنعتی

جوامع صنعتی پیشرفته از نیمه قرن بیستم وارد مرحله جدیدی از توسعه خود شدند که عموماً از آن با واژه دوران "پسا صنعتی" نام برده می‌شود. دو جامعه‌شناس متخصص در جوامع مدرن یعنی دانیل بل آمریکایی و آلن تورن فرانسوی در سال‌های ابتدایی دهه ۷۰ قرن بیستم این مفهوم را مطرح کردند. هر دو متفکر معتقدند: جامعه سرمایه‌داری متاخر از دهه ۷۰ دچار دگرگونی‌هایی اساسی شده است که آن را به شدت از دوران صنعتی پیشین متفاوت می‌کند. این تفاوت به باور آن‌ها به همان اندازه و حتی بیشتر از تفاوتی بود که جامعه صنعتی را از دوران پیش صنعتی و کشاورزی پیشین جدا می‌کرد. مهم‌ترین پارامترهایی که در این مورد مطرح می‌شدند موارد زیر بودند:

۱- تبدیل شدن زندگی شهر به نوع اصلی و به زودی نوع یگانه زندگی انسان‌ها، پدید آمدن کلان شهرها که دارای مشخصات اجتماعی، فرهنگی و فناورانه خاص خود هستند یعنی چندگانگی و تنوع بسیار شدید فرهنگی، تجمع ثروت و قدرت در ابعاد غول‌آسا و پدید آوردن شبکه‌های فن سالاران و کلان ساختارهای معماری، و همچنین تاکید هر چه بیشتر بر مفهوم طراحی شهری؛

۲- کاهش سهم بخش کشاورزی به حداقل ممکن در کل اقتصاد، کاهش قابل ملاحظه بخش صنعتی در اقتصاد و تبدیل شدن بخش خدمات به مهم‌ترین و پربهرترین حوزه فعالیت‌های اقتصادی،

۳- افزایش بسیار زیاد مبادلات سرمایه‌ای و مالی شدن خارق‌العاده بازارهای سرمایه‌ای و ادغام سرمایه‌ها در سطح جهان افزایش بسیار زیاد مبادلات سرمایه‌ای و مالی شدن خارق‌العاده بازارهای سرمایه‌ای و ادغام سرمایه‌ها در سطح جهان؛

۴- انقلاب اطلاعاتی، گسترش نظام‌های شبکه‌ای اطلاعاتی مبتنی بر گردآوری، انباشت، پردازش و توزیع اطلاعات با سرعت‌های هرچه بالاتر و با پیچیدگی هر چه بیشتر با اتکا به وابستگی هر چه بالاتری به رایانه‌ها و فناوری خودکاری؛

۵- فرایند موسوم به صنعت‌زدایی یعنی خروج هرچه بیشتر بخش‌های صنعتی از کشورهای صنعتی پیشین و جای گرفتن آن‌ها در کشورهای در حال توسعه که به دلیل دستمزدهای پایین‌تر کارگران و کمبود امتیازات اجتماعی آن‌ها بسترهای مناسب‌تر و پرسودتری را برای این بخش فراهم کرده و افزون بر این مشکلات بخش صنعت (آلایندگی و هزینه‌های اجتماعی گزاف آن و تنش‌های اجتماعی) را نیز از این کشورها دور می‌کنند (فکوهی، ۱۳۸۳: ۷-۱۱۶). اشکال فضاهای شهری عصر پسا صنعتی عبارتند از:

۱-۶- مادر شهر^۱

به اعتقاد جامعه‌شناسان پیدایش پدیده «مادرشهر» یک تحول جدید و اساسی در تاریخ بشر است. درحالی که در آغاز صنعتی شدن مهاجرت‌های شهری مرکزگرا هستند، پس از این مرحله چون هسته مرکزی شهر به حالت انفجاری در می‌آید مهاجرت‌های مرکزگرایز آغاز می‌شوند. بنابر این پیدایش «مادرشهر» با گسترش شهر به بیرون و پیدایش حومه‌نشینی هم‌زمان واقع می‌شود. در «مادرشهر» مشاغل تخصصی و تقسیم کار پیچیده است، حمل و نقل امکان حرکت را در نقاط مختلف شهر پدید می‌آورد. در نتیجه تغییر محل کار آسان‌تر می‌شود و افراد بیشتر مشاغل خود را عوض می‌کنند. علاوه بر این قشر جدیدی که در «مادرشهرها» رشد می‌کند گروهی است که در بخش خدمات مشغول هستند و جمعیت قابل توجهی را تشکیل می‌دهند. در «مادرشهرها» در واقع مجتمعی متشکل از محلات شهری و فضاهای باز و تمامی بخش‌های وابسته به آن است. یعنی «مادرشهر» متشکل از هسته مرکزی شهر، حومه‌ها و شهرهای اقماری است که ممکن است ساکنین آن‌ها در «مادرشهر» کار کنند.

هسته مرکزی «مادرشهر» بسیار متراکم است، البته جمعیت هسته مرکزی «مادرشهر» در روز و شب یکسان نیست، به طوری که در طول روز هسته مرکزی انباشته از جمعیت می‌شود و شب‌ها مراکز شهر به جز بعضی محلات فقیرنشین که در اطراف هسته مرکزی وجود دارند از جمعیت خالی می‌شود. چون بیشتر مناطق مسکونی خارج از هسته مرکزی واقع شده است.

کاستلز معتقد است که «مادرشهر» در واقع باز تولید یک شکل فضایی جدید در جهان سرمایه داری پیشرفته است. این امر حاصل از یک جریان کلی است و ابتکاری در شکل شهر محسوب می‌شود. «مادرشهر» مدرن تنها یک محیط شهری بزرگ با جمعیت زیاد نیست و وجه تمایز آن پراکندگی فعالیت‌ها در فضا، کارکردها و گروه‌ها، وابستگی متقابل آن‌ها از طریق پیوند جغرافیایی مناطق مختلف می‌باشد. در آن فضا فعالیت‌های گوناگون دیده می‌شود،

کاستلز نقش تکنولوژی را در توسعه «مادرشهرها» بسیار مهم می‌داند به اعتقاد او توسعه و پیشرفت صنعت و کشف انرژی برق و استفاده از خطوط حمل و نقل زیرزمینی امکان تمرکز نیروی انسانی در اطراف واحدهای تولیدی پدید می‌آید. وسایل حمل و نقل عمومی مناطق گوناگون «مادرشهر» را پیوند می‌دهد. به طوری که در زمان کوتاهی می‌توان به نقاط مختلف «مادرشهر» دسترسی داشت. پخش سلسله مراتبی ادارات و موسسات کوچک‌تر در اطراف «مادرشهر» فقط با وجود وسایل اطلاع رسانی مدرن ممکن است (مثل تلفن، تلکس، فاکس، ایمیل و اینترنت).

کاستلز معتقد است که «مادر شهرها» تحت تاثیر عوامل تکنولوژی قرار دارد مجموعه‌ای از عوامل نیروهای تولیدی، روابط اجتماعی جدیدی را پدید می‌آورند که در قالب شیوه فرهنگی خاصی تجلی پیدا می‌کند. پیوند میان فضا و تکنولوژی مهم‌ترین رابطه میان مجموعه ساخت اجتماعی و این شکل شهری است. پراکنده شدن شهر و گسترش آن و پیدایش منطقه‌های «مادر شهری» رابطه نزدیکی با سرمایه‌داری پیشرفته دارد که در جامع توده وار تجلی پیدا می‌کند.

۲-۶ کلان شهرها

کلان شهرها عموماً در داخل یک شبکه شهری عمل می‌کنند که در آن می‌توان چندگونه دیگر از شهرها را نیز یافت. در کنار شهر اصلی که در مرکز یک منطقه قرار می‌گیرد، سه گونه دیگر عبارتند از مراکز اولیه و پراکنده یعنی شهرک‌های بسیار کوچک که دارای خدمات محدودی از میان رایج‌ترین و ضروری‌ترین خدمات هستند. دوم مراکز محلی که عموماً دارای طیف کاملی از خدمات مورد نیاز اهالی خود و اطراف خود هستند (این گروه معمولاً از شهرهای کوچک تشکیل می‌شوند) و سرانجام مراکز بینابینی یا زیرمنطقه‌ای قرار می‌گیرند که خدمات استثنایی تری را نیز عرضه می‌کنند. در حالی که در مرکز اولیه عموماً شاهد سازمان یافتگی نیستیم، در دو گروه دیگر این سازمان یافتگی و نظم را می‌توان در سطح یک منطقه مشاهده کرد (فکوهی، ۱۳۸۳: ۱۲۳).

۳-۶- تکنوشهر

روند توسعه شهری در طول قرن بیستم تحت تاثیر پیشرفت‌های تکنولوژیک قرار داشته است، به همین دلیل بعضی از جامعه‌شناسان مانند کاستلز و هال به پیدایش شهرهای جدیدی تحت عنوان «تکنو-شهر» اشاره می‌کنند. با نزدیک شدن به قرن بیست و یکم، جهان با تجربه تکنولوژی در سطح بالا مواجه است. این تجربه همان اندازه عمیق است که انقلاب صنعتی در قرن نوزدهم وضعیت شهرنشینی را دگرگون ساخت. برخلاف شهرهای قرن نوزدهم که محل تولید پارچه، فولاد و زغال سنگ بوده‌اند، این مراکز جدید مکان تولید اطلاعات و ایده‌های نو هستند.

پس تکنوشهرها منطقه پیرامونی وسیع است که یک واحد اجتماعی-اقتصادی دارای بزرگراه‌ها، مراکز خرید، پارک‌های صنعتی و... است. تکنو شهرها در واقع چند هسته‌ای هستند که یکی از اولین الگوهای آن را می‌توان در لس آنجلس دید. «تکنو-شهر» می‌تواند چیزی در حدود هفتاد مایل از هسته اصلی در همه شعاع‌ها، پراکنده باشد.

اغلب «تکنو-شهرهای» نزدیک به هم با هم رابطه مستقیم‌تری دارند تا با «تکنو-شهرهای» دیگر نقاط کشور، و احتمال دارد که رابطه مستقیم با «مادرشهر» مرکزی نداشته باشند. بافت «تکنو-شهر» از طریق بزرگراه‌های عظیم و راه‌های کمربندی مشخص می‌شود که همه نقاط پیرامونی را بدون عبور از مرکز شهر به یکدیگر مربوط می‌سازد (همان، ص ۴۸۶).

کاستلز و هال معتقدند که اصطلاح «تکنو-شهر» می‌تواند شهرهایی که کار اصلی آن‌ها تحقیق و نوآوری است را توصیف کند. «تکنو-شهرها» به شکل قابل توجهی با شهرهای دوران صنعتی متفاوتند. آن‌ها شهرهایی هستند تمیز، با جمعیتی مرفه، متشکل از برگزیدگان متخصص. در این شهرها اثری از زاغه‌های مخروبه که پشت بلوارهای بزرگ، یا مناطق مرفه مخفی شده باشند دیده نمی‌شود.

البته نباید تصور کرد که با ظهور «تکنو-شهرها» شهرهایی که پایه گذار صنعتی شدن بودند مثل لندن،

پاریس، نیویورک یا توکیو در حال از بین رفتن هستند. آن‌ها هم محیط‌های خاص نوآوری به نوبه خود می‌باشند.

به طور کلی تکنو- شهرها، با برنامه‌ریزی توسعه یافته‌اند. برخی از آن‌ها با سرمایه‌گذاری خصوصی پدید آمده‌اند و برخی دیگر حاصل انواع مشارکت میان بخش خصوصی و دولتی بوده‌اند و دولت‌ها در توسعه آن‌ها نقش داشته‌اند، و اغلب رابطه‌ای هم با دانشگاه‌ها دارند. این مکان‌ها دارای نهادهای نیمه‌دولتی هستند که هدفشان ارائه اطلاعات است. عده زیادی از افرادی که در این تکنو- شهرها کار می‌کنند چیزی نمی‌سازند. اما چند کیلومتر دورتر در بناهای مشابهی که از تجمل کم‌تری برخوردارند عده‌ای مشغول ساختن چیزهایی هستند که در این‌جا اختراع شده است. این چیزها ممکن است یک کامپیوتر، دستگاه ویدئو با یک سی دی یا یک داروی جدید یا هر وسیله دیگر پیشرفته تکنولوژیک باشد. نقطه اشتراک آن‌ها این است که همگی متکی بر اطلاعاتی هستند که تکنو- شهر ابداع شده است. در واقع تکنو- شهر جانشینی برای معادن و کارخانه‌های قرن نوزدهم است.

از دیدگاه کاستلز و هال اهمیت این «تکنو- شهرها» در این است که ناگهان بر حسب یک حادثه پدید نیامده‌اند، بلکه آن‌ها توسط بخش‌های دولتی و خصوص عمدا ساخته شده‌اند تا بتوانند تغییرات بنیادین را که در جامعه، اقتصاد و بخش‌های دیگر واقع شده‌اند، کنترل کنند:

«تکنو- شهرها» در واقع نشانگر این است که شهر و مناطق اطراف آن در حال دگرگونی اساسی هستند. این تغییرات تحت تاثیر سه عامل قرار دارند.

- ۱- انقلاب تکنولوژیک که عمده‌ترین متکی بر تکنولوژی اطلاعات است.
- ۲- پیدایش اقتصاد جهانی، یعنی شکل‌گیری تمامی جریان‌های اقتصادی در مقیاس بسیار وسیع، با وجود این‌که محدوده‌های مرزی و دولت‌های ملی عوامل اصلی در تعیین استراتژی‌ها هستند، اما مسئله رقابت جهانی بسیار با اهمیت است و بر مسئله سرمایه، مدیریت، نیروی کار، تکنولوژی، اطلاعات و بازار تاثیر دارد. حتی شرکت‌هایی که بازار داخلی یا محلی دارند باز هم تحت تاثیر پویایی اقتصاد جهانی قرار می‌گیرند. سرعت جریان اتحاد اروپا و ایجاد اقتصاد یگانه اروپایی این گرایش را شدت می‌بخشد.
- ۳- پیدایش شکل جدیدی از تولید اقتصادی و مدیریت که می‌توان آن را مبتنی بر اطلاعات خواند. به طوری که تولید و رقابت به شکل روزافزونی متکی بر دانش و دستیابی به اطلاعات جدید است. یعنی تولید و افزایش ثروت متکی بر دانش، تکنولوژی و مدیریت اطلاعات است (ممتاز، ۱۳۸۳: ۷۰).

۴-۶- شهر اطلاعاتی

این مفهوم از مانوئل کاستلز جامعه‌شناس مارکسیست و برنامه‌ریز اسپانیایی است. در سال ۱۸۹۸ مشهورترین کتاب خود را تحت عنوان «شهر اطلاعاتی» می‌نویسد و در آن به بررسی و تبیین شهرهای جامعه فراصنعتی و پست مدرن می‌پردازد. او در آن در کتاب معتقد است جهانی نو در حال شکل‌گیری است، جهانی که بر اثر تقارن سه فرایند مستقل پدیدار شده: ۱- انقلاب تکنولوژی اطلاعات ۲- بحران‌های اقتصادی سرمایه‌داری ۳- دولت سالاری (کاستلز، ۱۳۸۰: ۴۱۷).

کاستلز «شهر اطلاعاتی» را ماتریس کاملی از الزامات جامعه اطلاعاتی می‌داند. او این شهر را یک شهر جهانی می‌داند، زیرا کارکردهای هدایت‌کننده اقتصاد جهانی را در شبکه‌ای از تصمیم‌گیری‌ها و مرکز پردازش اطلاعات با یکدیگر همساز می‌کند. این گونه جهانی شدن اشکال و فرایندهای شهری فراسوی امر کارکردی و امر سیاسی بوده و بر الگوهای مصرف، شیوه‌های زندگی و نمادگرایی صوری تاثیر می‌گذارد.

از سوی دیگر، کاستلز معتقد است در شهر اطلاعاتی یک شهر دوگرا نیز هست. دلیل این امر آن است که اقتصاد اطلاعاتی گرایشی ساختاری به زایش ساختار اشتغال قطبی شده براساس قابلیت های اطلاعاتی گروه های اجتماعی متفاوت دارد. بهره‌وری اطلاعاتی در راس جامعه ممکن است سبب افزایش بیکاری ساختاری در رده های پایینی و در میان کارگران یدی جامعه شود. به‌ویژه در صورتی که کنترل اتحادیه های کارگری در این فرآیند تضعیف شود و نهادهای دولت رفاه از حملات یکپارچه و سیاستگذاری های محافظه کارانه و ایدئولوژی های نوالیبرالی ضربه بخورند. اشتغال کارگران مهاجر در مشاغل رده پایین می‌تواند سبب تقویت دوگرایی ساختار اجتماعی شهر بشود و همچنین در حرکتی موازی با این امر، تفاوت سنی میان جمعیت بومی شهرهای اروپایی که دائما رو به پیر شدن دارد با جمعیت جوان تازه‌واردان و مهاجران دو شاخه به شدت قطبی شده از شهروندانی را به وجود می‌آورد که از لحاظ آموزش و پرورش، قومیت و سن رودرروی یکدیگر قرار می‌گیرند و در این‌جا با رشد تنش های اجتماعی روبه رو می‌شویم (فکوهی، ۱۳۸۳: ۲۱۷).

پس مهم‌ترین عنصر جامعه اطلاعاتی که متحول کننده آن جامعه نیز می‌باشد را اطلاعات باید ذکر کرد (محسنی، ۱۳۸۳: ۱۸) عنصر تازه‌ای بدون مرز سیاسی و جغرافیایی. تقسیم کار جدید بین‌المللی و بین منطقه‌ای که جامعه اطلاعاتی در سطح جهانی به وجود آورده است، به سه فرآیند هم‌زمان منجر می‌شود:

۱- تحکیم سلسله مراتب شهرهای بزرگ که از خلال مراکز گروهی اعمال می‌شود، این مراکز از پتانسیل های اطلاعاتی خود و فناوری های ارتباطاتی استفاده می‌کنند تا نفوذ جهانی خویش را گسترش دهند و تعمیق بخشند.

۲- زوال مناطق صنعتی غالباً کهنه که نتوانسته‌اند گذرا موفقیت‌آمیزی به اقتصاد اطلاعاتی انجام بدهند(البته این به آن امر نیست که همه شهرهای صنعتی سنتی لزوما زوال خواهند یافت).

۳- ظهور، مناطق جدید (نظیر جنوب فرانسه و یا اندلس) و چند مورد محدود از کشورها(نظیر کشورهای آسیایی منطقه اقیانوس آرام) به مثابه مراکز اقتصادی پویا و جاذب سرمایه، نیروی کار و کالاها و بنابراین به وجود آمدن یک جغرافیایی اقتصادی جدید. در این اقتصاد جدید بهره‌وری و رقابت مناطق و شهرها بستگی به قابلیت آن‌ها به پردازش ظرفیت های اطلاعاتی کیفیت زندگی و اتصال به مراکز مهم شهری در سطوح ملی و بین‌المللی دارد.

کاستلز در یک نتیجه‌گیری معتقد است که شهر اطلاعاتی، عمدتاً شهر جهانی و شهر دوگرا، به شکلی تنگاتنگ با یکدیگر مرتبط‌اند و پیش‌زمینه فرایندهای شهری در مرکز شهری اصلی اروپا را تشکیل می‌دهند. مهم‌ترین اطلاعاتی که چنین کارکردهایی را به انجام می‌رسانند، در یک سو و جمعیت معطوف به محلّیت که بحران های هویتی هر چه عمیق‌تری را تجربه می‌کنند از دیگر سوست. جدایی میان کارکرد و معنی کنج برگردان آن را تنش میان فضای جریان‌ها و فضای مکان‌ها می‌بینیم می‌تواند به یک نیروی عمده ثبات‌زدا در شهرهای اروپایی بدل شود که پتانسیل منجر شدن به یک نوع جدید از بحران‌های شهری را نیز در خود دارد (کاستلز، ۱۳۸۰: ۴۳۴).

۵-۶- شهر مجازی

”شهر مجازی“^۱ که به آن ”شهر الکترونیک“ و یا ”شهر دیجیتالی“^۲ نیز می‌گویند، مجموعه است از فضا های مجازی یا الکترونیک بر روی شبکه اینترنت است که در آن می‌توان همچون در یک شهر واقعی به کار، تفریح، خرید، دیدار و ارتباط با دیگران پرداخت. برای ساختن یک شهر مجازی عموماً از برنامه‌ای به نام ”زبان الگوسازی واقعیت مجازی“ استفاده می‌شود. در حال حاضر شهرهای مجازی را بازسازی کنند و به استفاده‌کنندگان امکان دهند که درون آن‌ها جابه‌جا شده و احساسی نزدیک به قدم زدن در یک شهر واقعی را

داشته باشند. برنامه‌ریزی در این شهرها باید به صورتی باشد که افراد بتوانند در قالب آدمک‌هایی^۱ با شکل‌های مختلف انسانی یا نمادین وارد شهر شده و با سایر آدمک‌هایی که به طور زنده وارد شهر شده‌اند «گپ»^۲ بزنند. این سیستم‌ها در حال حاضر کاملاً آزمایشی هستند و پیش‌بینی استفاده از آن‌ها در سال‌های آینده عمدتاً برای انجام برنامه‌ریزی‌های شهری، طراحی شهری، ارائه برخی خدمات به شهروندان مورد استفاده قرار می‌گیرند.

نتیجه‌گیری:

شهر با ویژگی‌های اجتماعی - اقتصادی و سیاسی در حدود ده هزار سال پیش و مقارن با دوران نوسنگی و آشنایی انسان‌ها با کشاورزی و اهلی کردن حیوانات و به تبع آن جایگزینی به جای کوچ نشینی در زمین‌های حاصلخیز کشاورزی و در بستر رودخانه‌ها پدیدار گشت و از طرف دیگر کشاورزی باعث تمایز نقش زن و اهمیت بیشتر آن شد که در این دوره مردان به شکار و زنان به کشاورزی اشتغال داشتند از آن‌جا که به نیروی کار احتیاج بود باروری و پرورش کودکان اهمیت ویژه‌ای پیدا کرد ساخت ابزار مانند ظروف و کوزه بر عهده زنان بود و از طرفی این‌گونه ابزار نمایشگر افزایش تولید مواد غذایی است که باید در جایی انباشته شود، برقراری امنیت و حفاظت از مازاد تولید در برابر حمله حیوانات وحشی و اقوام کوچ رو مکان‌های خاص خود را می‌طلبید این‌جاست که مردم شناسان معتقدند اتحادی مجدد میان عصر سنگی و میان سنگی پدید آمده است یعنی اهمیت مجدد شکارچی که می‌تواند حفاظت از ده و مردم آن را عهده‌دار شود این اولین گام در شکل گرفتن نوعی قدرت سیاسی و نهاد حکومتی است به هر حال اولین شهرهای جهان حدود ۳ هزار و پانصد قبل از میلاد مسیح در بین‌النهرین در رودهای حاصل‌خیز دجله و فرات به وجود آمدند که هرکدام جمعیتی بین ده تا بیست هزار نفر داشته است شهرهایی با مراکز تجاری و مبادلاتی و ساختار نسبتاً پیشرفته و مشتمل بر دژ و معبد بودند به طوری که محل سکونت اعیان نزدیک هسته مرکزی بوده و هرچه از مرکز به بیرون حرکت می‌کنیم منطقه‌های مسکونی طبقات پایین‌تر را مشاهده می‌کنیم

شهرهای باستانی: در شهرهای باستانی برخلاف شهرهای مدرن هر چه به هسته مرکزی شهر نزدیک‌تر شویم رفاه و امنیت بیشتری را مشاهده می‌کنیم و به طرف دروازه‌ها پیش رویم امنیت و رفاه کم‌تر می‌شود که از این شهرها می‌توان به شهرهای بین‌النهرین، شهرهای مصری، شهرهای هندی، شهرهای یونانی، شهرهای مدنی که توضیحات کامل‌تری در مورد این شهرها آمده است، اشاره کرد

شهرهای قرون وسطایی: شهرهای قرون وسطایی با توجه به این که شهرهای باستان مرکز تولید انبوه نبودند بلکه کانون مدیریت و تسلط حاکمیت بوده‌اند از طرفی دیگر شهرهای قرون وسطایی که در اثر اتحاد مجدد قلعه به عنوان سکونت نهاد اربابی با سکونتگاه‌ها و فعالیت‌های اطراف آن و پیدایش بازار شکل گرفت بنابراین ساختار جدید شهر و نظام سیاسی [مدیریتی یکپارچگی و مستقلاً را به همراه داشت در واقع بر مبنای نظر ماکس وبر این ویژگی سیاسی شهر است که آن را مبدل به مکانی خاص می‌سازد و حدود آن را به عنوان یک نظام اجتماعی مشخص می‌کند و به علاوه بر موارد فوق اقتصاد آزادی امنیت را نیز از ویژگی‌های دیگر شهر می‌داند - شهرهای قبل از انقلاب صنعتی: شهرهای ماقبل صنعتی را می‌توان به الف) شهرهای فئودالی ب) شهرهای تجاری ج) شهرهای استبدادگری تقسیم‌بندی کرد. شهرهای فئودالی دارای سه طبقه ممتاز پایین و بیرون بودند. در شهرهای تجاری وجود مناطق ویژه در داخل شهرها اهمیت داشت خانه شهرنشینان به منزله کارگاه انبار و محل زندگی بازرگانان، اربابان و خدمه‌ها کارگران و کارآموزان محسوب می‌شد شهرهای

استبدادی شهرهای ماقبل صنعتی هستند که با نظام استبدادی اداره می‌شوند در چنین شهرهایی قدرت اداری و سیاسی نه از آن گروه فئودال بود نه از آن گروه بازرگان بلکه در اختیار یک فرد یا یک خانواده بود گاهی اوقات نیز شهرهای فئودالی به سبب تسلط یک خانواده به امور شهر با نظام استبدادی اداره می‌شد.

- شهرها در روند انقلاب صنعتی: این گونه شهرها در جریان انقلاب صنعتی به سوی تولیدات صنعتی و نظام سرمایه‌داری گام برداشتند شهرهایی که به واسطه برخورداری از روابط و مناسبات صنعتی ساختار روستاها را دگرگون ساخت و موجبات مهاجرت عظیم روستاییان به مناطق شهری فراهم آمده و از سوی دیگر گذر از اقتصاد کوچک خانگی به اقتصاد صنعتی کوچک و آن‌گاه به اقتصاد صنعتی بزرگ که نهایتاً به تمرکز نیروی انسانی و ایجاد بازار و تشکیل فضا و محیط صنعتی منجر گردید

- شهرها پس از انقلاب صنعتی: شهرها به ویژه شهرهای اروپایی پس از انقلاب صنعتی تغییرات فراوانی کرده در این دوره شکل فضایی شهرها تغییر می‌کند شهرها مکان خرده بانک‌ها و خدمات شهری می‌شود و خطوط بزرگراه رونق پیدا می‌کند استفاده از اتومبیل و ایجاد پارکینگ معمول شده است راه آهن گسترش می‌یابد

- شهرهای فراصنعتی: جوامع صنعتی پیشرفته از نیمه قرن بیستم وارد مرحله جدیدی از توسعه خود شدند که عموماً به دوره پسا صنعتی نام برده شده‌اند شهرها اشکال گوناگونی در این دوره پیدا کرده‌اند که خود دگرگونی‌های فراوانی در زندگی روزمره انسان‌ها به وجود آورده‌اند که این اشکال را می‌توان مادرشهر، کلان‌شهر، شهری اطلاعاتی و شهری مجازی نام برد که هر کدام دارای ویژگی خاص خود هستند در آخر از شهرهای فراصنعتی به شهر آینده نیز می‌توان اشاره کرد که در مقالات بعدی به تفصیل تشریح خواهد شد.

منابع:

- ۱- ابن خلدون، عبدالرحمن، ۱۳۵۹، مقدمه ابن خلدون، ترجمه محمد پروین گنابادی، انتشارات علمی فرهنگی، تهران.
- ۲- دینی درغرب باستان، انتشارات بهمن برنا، تهران.
- ۳- ابوالحسن تنهایی، حسین، ۱۳۷۴، درآمدی بر مکاتب و نظریه‌های جامعه‌شناسی، انتشارات مرنديز، چاپ اول، گناباد.
- ۴- ارسطو، ۱۳۷۴، سیاست، ترجمه حمید عنایت، انتشارات انقلاب اسلامی، تهران.
- ۵- ازکیا، مصطفی، ۱۳۷۴، جامعه‌شناسی توسعه، انتشارات کلمه، تهران.
- ۶- استراتن، پل، آگوستین قدیس، ۱۳۷۸، ترجمه شهرام حمزه‌ایی، نشر مرکز، چاپ اول، تهران.
- ۷- بارنز، هری المرویکر، ۱۳۸۴، تاریخ اندیشه اجتماعی، ترجمه جواد یوسفیان و علی اصغرمجیدی، انتشارات امیرکبیر، چاپ چهارم، تهران.
- ۸- توسلی، غلامعباس، ۱۳۸۳، جامعه‌شناسی شهری، انتشارات دانشگاه پیام نور، چاپ هفتم، تهران.
- ۹- جمشیدیها، غلامرضا، ۱۳۸۳، پیدایش نظریه‌های جامعه‌شناسی، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول، تهران.
- ۱۰- دیکنز، پیتر، ۱۳۷۷، جامعه‌شناسی شهری، ترجمه ابوالقاسم پوررضا، انتشارات سمت، چاپ اول، تهران.
- ۱۱- ساوج، مایک و آلن وارد، ۱۳۸۰، ترجمه ابوالقاسم پوررضا، انتشارات سمت، چاپ اول، تهران.
- ۱۲- شکوئی، حسین، ۱۳۸۵، دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری، انتشارات سمت، چاپ نهم، جلد اول، تهران.
- ۱۳- فکوهی، ناصر، ۱۳۸۳، انسان‌شناسی شهری، نشرنی، چاپ اول، تهران.
- ۱۴- فیالکوف، یانکل، ۱۳۸۳، جامعه‌شناسی شهری، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، موسسه انتشارات آگاه، تهران.
- ۱۵- کاستلز، مانوئل، ۱۳۸۰، عصراطلاعات اقتصاد، جامعه و فرهنگ، ترجمه احمد عیلقیان و افشین خاکباز، جلد سوم، انتشارات طرح نو، چاپ اول، تهران.

- ۱۶- گیدنز، آنتونی، ۱۳۸۴، پیامدهای مدرنیت، ترجمه محسن ثلاثی، نشر مرکز، چاپ سوم، تهران.
- ۱۷- گیدنز، آنتونی، ۱۳۸۴، تجدد و تشخیص، ترجمه ناصر موفقیان، نشر نی، چاپ سوم، تهران.
- ۱۸- محسنی، منوچهر، ۱۳۸۰، جامعه‌شناسی جامعه اطلاعاتی، نشر دیدار، چاپ اول، تهران.
- ۱۹- ممتاز، فریده، ۱۳۸۳، جامعه‌شناسی شهر، انتشارات شرکت سهامی انتشار، چاپ سوم، تهران.
- ۲۰- نقدی، اسداله، ۱۳۸۲، درآمدی بر جامعه‌شناسی شهر (انسان و شهر)، نشر فن‌آوران، چاپ اول، همدان.
- ۲۱- وبر، ماکس، ۱۳۶۹، شهر در گذر زمان، ترجمه شیوا کاویانی، انتشار شرکت سهامی انتشار، چاپ اول، تهران.

